

در تمام اخبار و مجله‌های ایران

حقیقت

شماره ۱۵۸ ۴ اردیبهشت ۱۳۶۱

مسئله فرمانداری نیروهای انتظامی و

دعویای کودتای درون حکومت

و صفت تاریک معلم شهید

صفحه ۲

یک دلیل اساسی که چرا باید دین از حکومت جدا باشد

((با چگونه از لحاظ اقتصادی روحانیت در پیوند با فئودالیسم

قرار دارد))

(۲)

مطرح شدن مجدد مسئله ارضی در هفته‌های اخیر در جا موند، بهانه‌ای شده که با ردیگر به این مسئله بررسی مختصری بنماشم. بررسی از این جنبه، که در شرایط تلفیق دین با حکومت، یعنی در شرایط اعمال رهبری ولایت از جانب فقیه و روحانیت است منتصب به آن، دهقانان ایران نصیب نخواهند شد اساسی ترین خواست اقتصادی خویش، یعنی زمین، دست یابند. به همین جهت برای روشن نمودن این مطلب از لحاظ نظری، در مقاله قبلی به بررسی و تحلیل سخنان اخیر آیت الله مشکینی در خصوص پرداختیم. در شماره قبل نشان دادیم که وقتی دین مبنی برای حکومت قرار گیرد و احکام اسلامی به همراهی فقه شیعه مبنی برای سیاست رژیم کنونی باشد، حتی تجدیدنظر موقتی در احکام اسلامی تحت عنوان اعمال ولایت فقیه بقیه در صفحه ۲

دعویای قدرت و مسأله جانشینی

مسئله تعیین جانشین برای آیت الله خمینی از چندین بخش بخصوص بعد از مصاحبه‌ای که خاتمه‌ای با خبرنگار مجله آمریکا شایر وویک انجام داد در اخبار احتمال تشکیل یک شورای سه تا ه نفره را برای جانشینی "رهبر" اعلام نمود. بعنوان یک موضوع حاد سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. البته از مدتها پیش از این سخا طرفش خمینی در نهضت خداستبندی و خدا صبر با نیستی که منجر به انقلاب بهمین و سایر معادله‌های آن شد مسئله جانشین با جانشینان احتمالی او در جامعه ما مطرح بوده است. حتی زمانیکه در این باره سخن گفته نمی‌شد در لابلای کلمات، این موضوع هر چند یکبار لمس شده که بسیاری از تحولات آینده به مسئله انتخاب جانشین برای خمینی گره خورده است.

بعد از کودتای استبداد و اوایل سال ۵۶ که زیر سلطه شورای ولایت فقیه صورت گرفت جا بجا خمینی در حکومت ایران

بیانیه نظامی شماره ۶ سرداران

مردم پهلوان ایران!

روز دوشنبه ۹ فروردین حدود ساعت دو نیم بعد از ظهر صدای شلیک گلوله‌های سرداران در جنگل‌های مازندران با ردیگر مزدوران پاسدار خمینی را ارتش به فراری مفتضحانه واداشت و خوابهای خوش دین را که تسلیمات کرکننده اش انگار خسودش را هم به اشتباه انداخته بود، برهم زد. رادیو، تلویزیون، سخنرانی‌های فتنه انگیز ما م جمعه‌ها و روزی نامه‌های رژیم کودتای حاکم داد و فریادهای زیادی برآوردند و خسته بودند که "گارسر سرداران تمام شد... جنگلهای شمال پاکسازی شدند" و غیره. با اندک کم حتما این قصه شاه پهلوان را با ور کرده بود که جرئت کرده گروه‌های گشتی خود را روانه جنگل کند!

پاسداران خمینی در این روز پس از شناسایی محل استقرار سخن از نیروهای مابعد میال خود قصد داشتند اما قتلگیر گشتند. همین خاطر طرح معاومه را ریخته و در سنگرها مستقر شده بودند و لایمست از موفقیت اولیه بودند که تا گمان با ران گلوله‌های سرداران اجل معلق را در نظرشان آورد! مفلوکها آنقدر

ترسیده بودند که دوبای اقا فخر فر کرده و با به فرار گذاشتند و برای آنکه سبکتر بشوند از جنگل که جان بدر برند ضایعاتی فشنک بود که بر زمین می ریختند و میگریختند!

سرداران، وزندگان که با شلیک اولین گلوله‌های خود در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ جبهه مقاومت مسلحانه را بر علیه حکومت خون و شلاق خمینی جتا بتکا را اعلام کردند و در جنگلهای قهرمانان خود در جنگل و آمل آنرا تا بحال ادامه داده‌اند. تا زهد آغساز راهند. این مرتجعین کوردل بدانند که جنگ ما ادامه خواهد داشت، ارتش ما روز بروز گسترش خواهد یافت و ملت قهرمان ایران به جوانان از جان گذشته خود خواهد پیوست تا ایران عزیز را از دست کسانی که به خون شهیدان انقلاب ۲۲ بهمن ضیانت کرده و دستگاز آدمکش و سربرگردگی برآوردند خواهند زد. سخن ما با خمینی جلاد اینست که:

باش تا صبح دولتت بدیدد کاین هنوز از نایب سحر اصصت
(سرداران) ۱۳۶۱/۱/۱۲

سقه از صفحه اول
 مسئله: جانشین ۵۵۵۵

کارنامه‌های سرشار از زکینت و ورزی مشترک با هر چه نشان می‌آورد
 خواهی در ایران داشته‌است در این یکسال دست زده کرده‌اند.
 اما، انتخاب نکنیم! گمان نکنیم که بیجا برای جدال پس
 سر جانشینی خمینی در میان حکومتیان موضوعی است بی اهمیت
 که نوجوه‌ها و فروری ندارند. چرا که این مسئله همان‌گونه که
 بزودی مسئله اصلی دست‌مندی‌های درون حکومت است و با زمان
 دادن و برپا ساختن قیام‌نموده‌های مردم‌پرطنیه این حکم‌ستار
 جمله به نفع و مفادها و درونی اردوی دشمن سبب نیارحتمس
 است. مقدار قابل توجهی از مصالح می‌آید در همسایسین
 کثاکشها نظمه می‌بنده و شکل می‌گیرد. ثرات خود را در قریب‌القی
 نه چندان دور در نبرد فطمی "تکارخواهد است".

از این گذشته، از مدتها پیش آشکار شده است که امپریالیست
 آمریکا واردی امپریالیست غرب به صورتی بسیاری از سینه‌های
 خود را برای روی کار آوردن یک حکومت "آمریکائی" در ایران
 به بعد از مرگ خمینی موقوف کرده است و در بسیاری از مقاصد
 و گیزا رشات جریان‌ات مختلف امپریالیستی در آمریکا است
 مسئله بوضوح شما می‌چشم می‌خورد. شما برای روشن است که
 آمریکا در مسئله تعیین جانشین برای خمینی فعالانه دنبال
 دخالت خواهد کرد. تا این جانشین جانشینی باشد که در درجه
 اول زمینه‌سازی برای روی کار آمدن یک حکومت با بطن
 آمریکا در زیر چتر حمایتی بتواند صورت گیرد و در ثانی راه را
 هر چه بیشتر بر خوراند و اندیشه‌های انقلابی یا جامعه‌پرگوشیم
 نوع اندیشه‌ها امپریالیست آمریکا در میان مردم بسند.

شوری و اردوی او نیز که در ایران همراهی همه احزاب
 دست نشانده‌اش در راه است از لایحه تقمه سرما به گذاری کرده
 است. علمبرقما متیازانی که بیگانه‌آورده است در شرایط کنونی
 هم‌خطرات ناشی از کنار رفتن خمینی و هم‌احتمالانی را که این
 جا بگزینی می‌تواند برای رشد و توسعه نفوذش در ایران ایجاد
 کند را می‌شناسد و در این رابطه سرما به‌دارد.

بنابراین مسئله جانشینی خمینی می‌تواند منتهی
 تحولات مهمی در دست و پوی آینده جامعه ما باشد و از این نظر
 نیز باید به آن توجه کرد و در ارزیابی از شرایطی که می‌سازات
 فعلی و آتی ما در آن جریان می‌یابد آرا در خیل نمود.



از مدتی پیش از این در زمینه‌های گوناگون بنیاد و
 آشکارا ما شاهد جدال قدرت بر سر مسئله جانشینی خمینی بوده
 ایم. در هر ایدوا علامیه‌ها، جهت اسلام منتظری به لقب آیت‌الله
 و نگاه آیت‌الله العظمای مفسر می‌شود تا بتواند برای
 فردای "مبادا" که هر روز به امروز نزدیکتر می‌شود به نصیب
 انکاهی باشد. حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت و بطور
 مشخص جریان‌های در حزب که به رهبری سید حسن آیت‌الله عمل می‌کند و
 دنباله جریان کاشانی و حزب رنجندگان ملت ایران می‌شود
 است از کمال پیش منتظری را بعنوان کسی که ما باید با یگزین
 خمینی به در تبلیغ نمودند. در آن روزها که جدال تبلیغاتی
 با نیروهای انقلابی دمکراتیک و همچنین با تمامایلات آزادخواه
 جامعه امپریالیست‌ها جریان داشت تقریباً حکومتیان ما این سرما
 که اول بار در آن شوا رگه‌هایی مطرح شده بود، در اساس مراغسوق
 بودند. تا اینجای کار مسئله روشن بود، همچنین می‌رود و منتظری
 می‌آید و راه برای استبدادجویی‌های بیشتر و خودکامکسی
 مطلق انسان ترشرا هم می‌گیرد. اما دورنگامی و طاع و اسرار
 با شدت گسری می‌آرزات و مخصوص همگان می‌بقیه در صفحه ۵

جا بگاه خمینی در حکومت ایران به مرتبه‌ای رسید که اینک طبیعت
 است که مسئله‌ها بگریزی وی به‌ترین مسئله در ارتباط با
 آینده حکومت کنونی ایران باشد. مگر نه اینست که مطابقت
 سرد است و رایج حاکمان "رهبر" در واقع بر جان و مال و نفسی
 مردم بر حاکم است و مگر نه اینست که مشروعیت همه نهادها و
 ارگاسها و عملکردهای آنها همه به اراده "رهبر" مشروط شده
 است؟ ما برای جای تعجبی نیست که خطه ناشی از عدم در هم
 موقیبت‌سناسی برای تشنگان قدرت در میان "پيروان عبط" و
 "پیاران امام" و غیره و غیره خواهد بود و هم‌اینکه برای هر همت‌ای
 از اینان موقعیتی حساس و خطرناک خواهد بود اگر چه چنگ زدن
 جریان‌های دیگر به این جا بگاه و منصب می‌تواند منجر به نا بودی دست
 دیگر شود. به قراری حکومت استبداد مطلقه، فقا هت بجای جمهوری
 که هم‌حکومتیان و مشاطه‌گران حکومت در اینجا آن دستها کشی
 آلوده دارند، جنابشی تاریخی بود که آنان برای حفظ منافع
 در خطر افتاده‌شان در برابر موج آتکاهی و بیداری دمکراتیک
 و استقلال طلبانه ایرانیان سر تکب تندوا سرورد دست همسین
 موقعیت گد محمول آن انعام رطلی‌ها و خود سری‌های ارتجاعی
 بود. برای حکومتگران کودتا وضعیتی خطرناک و متزلزل را
 طبیعتا ایجاد می‌نماید.

مسئله جامعه ایران بخصوص در پشت‌پرده‌ها می‌کند در برابر
 دیدگان خلق کشیده اند و برانما ناشی است که برای استفاده از
 موقعیت حساس تعیین جانشین برای خمینی سرما به ریزی و تداوم
 رک می‌شود. مطابق شواهد تاریخی قرار بر این بوده است تا در
 اردیبهشت ماه مجلسی از خبرگان معمم تشکیل گردد و این مجلس
 یک شورای ۵ نفره را برای جانشینی خمینی معین نماید. اما
 منتظر می‌رسد که در باره چگونگی این انتخاب و گانه‌نمایی آن
 بی‌ظلمت جنگ قدرتی که پیشان و آشکار در میان فدرنمندان درگیر
 است هنوز بسیاری مسائل مبهم است و بلا تکلیفی در جنگ قدرتی
 که پیشان و آشکار در جریان است فعلا سمر به سکوت عمومی در این
 مورد شده است.

در جدال قدرتی که در میان حکومتیان برای کسب سهم در
 حاکمیت پس از خمینی در گرفته است اگر از زاویه مصالح
 انقلاب ایران و راه رشد و تعالی جامعه و برقراری یک جمهوری
 دمکراتیک نوده‌های مردم‌منظر کنیم، برای مردم هیچ دسته و
 گروهی از اینان چیزی به‌ارمان نخواهند آورد.

کسانی که در دعوی کنونی درگیر شده‌اند، از قوا امرا مرکسه
 ضد سخن ار حل مشکلات و برچیدن تشنگانها و نجات مستضعفین و
 عیراه است که بگذریم. همگی چه از لحاظ اندیشه و مکتب هداست
 گسده‌شان و چه از لحاظ عملکردشان بخصوص در یکساله اخیر و چه
 از نظر سندها می‌کند از سرما به‌نای آینده‌شان بی‌وز داده‌اند. سبده
 در ضیعت با حکوماتی دمکراتیک جامعه ایران مشترکند. آری،
 در اینجا و آنجا در زمینه‌های مختلف جناح‌های سبدها می‌شود و گاه
 می‌جانبه‌های ارتجاعی و مشغولانه، جناحی چنان آشکار می‌کند
 که جناح مقابل در ظاهرها کمتر نشان و مرتجع به‌نمیشی آید. اما
 واقعیت ما چرا و اساسا بر این است که تمام دسته‌بندی‌ها

نمی‌توانند مسئله دهقانی میهن مان را حل کنند. بررسی میهنان متکبری از آن جهت که ایستادن به عنوان نماینده جناحی از روحانیت، که اعتقاد به تعدید نظر موقتی در احکام اسلامی در مورد مسئله زمین دارند، حاشا اهمیت است. چه بخش باقیمانده از خرده بورژوازی سنتی در حکومت، با وعده اعمال ولایت فقیه و تعدید نظر در احکام اولیه اسلامی، دادن زمین به دهقانان را تبلیغ کرده و می‌کنند. (بررسی نظریات جناح‌های دیگری از روحانیت و حکومت که اعتقاد به چنین تعدید نظری ندارند، هند اقل در طور توجه ضروری ما نیستند).

در این شماره مختصراً شرایطی را در میهنان به گونه‌ای که در زمان روحانیت از لحاظ اقتصادی در پیوند با فئودالیسم روحانیت ایران قرار داشته و دارد، تا کیمما در اینجا بیشتر به بررسی املاک موقوفه محدود و خواهد گفت، بررسی املاک موقوفه از آن جهت اهمیت دارد، که موقوفات یکی از اشکال بزرگ مالکی در ایران بوده و خود در طی قرن‌های متعاقب به استعمار مستقیم دهقانان با مضمون فئودالی پرداخته می‌شود. در نتیجه ما زمان روحانیت برای ادامه حیات خود، تحت رهبری هر جناحی از آن با تعلق خاص طبقاتی اش، مجبور به حفظ موقوفات بوده‌می باشد. روحانیت و حکومت فعلی نیز جزو این قاعده نمی باشد.

اگر بخواهیم مسئله را در اینجا دو سبب تری بررسی کنیم، با چستی متذکر شویم که در فقه شیعه ما زمان روحانیت برای حفظ گسترش خود در سه زمینه اساسی برای خویش قائل به حفسوق و منافع اقتصادی است. این سه زمینه عبارتند از انفال، خمس و ذکات و سهم ما مویا لافیه موقوفات.

۱ - در مورد انفال همین می‌گوید: "انفال اموالی است مخصوص مقام رهبری امام (ع) همچنانکه برای ریاست الهی به منبر (ع) بود" (رساله نوین - مسائل اقتصادی ص ۲۸) روشن است که در زمان نبود امام (ع) جانشین او یعنی ولی فقیه کنترل انفال را در دست دارد. این اموال شامل اراضی کشاورزی بویژه مایر، دریاها، رودها، جزیره‌ها، جنگلها، اموال پادشاهان، معادن، غناشمنگی و... خواهد بود. یعنی تمامی شروت‌های جامعه کنونی ما و از جمله کلیه اراضی کشاورزی آن! که در شرایط حال با چستی در بد قدرت رژیم ولایت فقیه و روحانیت منتسب به آن باشد. اگر بخواهیم انفال در زمینه ارضی را در شرایط حکومت فعلی بررسی کنیم، با پسد گفت که روحانیت و حکومت فعلی منتسب به آن بطور مستقیم کنترل اراضی موات (معروف به بندهالف) و اراضی معادله شده ارزیم گذشته (معروف به بندب) را در بد قدرت خویش دارد. در این اراضی ما دهقانان بر مبنای نظام فئودالی و نیمه فئودالی رایج در جامعه روحانیت، به شکل اجاره مویا مزارع سه روابط و مناسبات ما قبل سرمایه‌داری برقرار کرده و می‌کنند. این نوع اراضی بر مبنای مقوله انفال، با برقراری حکومت اسلامی، برای اولین بار در تاریخ ایران تحت کنترل مستقیم

فقیه در آمده است.

۲ - خمس و ذکات: که شومی مالیات اسلامی سرگروه، ما سه می‌باشد، با چستی به روحانیتون بطور مستقیم پرداخت می‌شود. که خمس ۲۵٪ در آمد هر شخص و ذکات شومی مالیات جنسی است. بقول خمینی: "بهتر است که ذکا را به فقیه ده ده که او به موقعیت و محل صرف آن آشنا تر است، و چنانچه فقیه ما کم برای مصلحت اسلام ما مسلمانان حکم کند که زکو را به وی بپردازند، بیرونی از وی هر چند که از وی نقل می‌کنند واجب است" (هماجا - ص ۱۹۹). در مورد خمس که نیمی از آن سهم امام می باشد، او می‌گوید: "نیمی از خمس... بدست ما کم ترع است... می‌دیند که سهم امام (ع) است نیز چریا نش با ما کم است. و با بد خمس را بدوی را شد تا انرا در جای خود به حسب نظر وقتوایش صرف کند" (هماجا، ص ۱۲۴).

روشن است که مالیات اسلامی یعنی خمس و ذکات و سهم امام ناشی از آن، با چستی بطور مستقیم به دست روحانیت برسد تا آنرا به ملاح خود خرج نماید. این شروت قابل ملاحظه‌ای است که در شرایط نظام شیعه فئودالی روستاهای ما، از جانب فئودالها و شاهای از جانب دهقانان تا مین شده و می‌شود. و از جمله موارد مهم استفاده از این شروت حفظ و گسترش زمان عربی و طویسل حوزه‌های علمیه می‌باشد تا بتوانند تسلط ایدئولوژیکی خود را بر جامعه حفظ نموده و نظام موجود را پاداری نماید. این زمینیه شروت از قرن‌ها قبل در بد کنترل روحانیت قرار داشته و با برقراری حکومت اسلامی، ایما دوسیع و بی سابقه‌ای یافته است. این جنبه از شروت که خود به عنوان شومی بهره فئودالی برگرفته دهقانان ایران سنگینی کرده و می‌کند، به همراه درآمد اراضی موقوفات منابع اساسی اقتصادی برای حفظ روحانیت و سازمان آن از گذشته تا حال بوده‌اند. با زمانی که پرورش روشنفکران سنتی ما قبل سرمایه‌داری را به همده داشتند و بطوریکه گزارش شده در دهه کنونی (۶۰ - ۱۳۵۰) رقم طسلا در ایران سه دهه را زغر رسیده است.

۳ - املاک موقوفه شکنکی دیگر از منابع اقتصادی است که روحانیت بطور مستقیم در کنترل و مالکیت داشته و انرا از املاک خصوصی برخی فئودالها و با دهقانان تحصیل کرده است. بررسی موقوفات از آنجا که روحانیت بطور مستقیم بهره‌کنشی دهقانان، در قبیل از برقراری حکومت اسلامی و بعد از آن، به بررسی داشته است، حاشا اهمیت است. ما در اینجا بطور اجمالی به بررسی موقوفات از قبل و بعد از برقراری جمهوری اسلامی پرداخته و مضمون فئودالی این مالکیت را نشان خواهیم داد. نمونه مورد بررسی ما مهم‌ترین موقوفات در ایران، املاک آستان قدس رضوی در هراتان خواهد بود.

از جمله مالکیت‌های بزرگ ارضی در ایران یکی هم مالکیت بشکل موقوفه بوده است. این شکل از مالکیت بزرگ ارضی در ایران قرن‌ها در کنار مالکیت‌های فئودالی، خالصه و درباری ادامه یافته و ما شد تا آن به استعمار رتوده دهقانان پرداخته است. این نوع مالکیت یکی از منابع اصلی اقتصادی برای روحانیتون و سازمان روحانیت بشمار می‌رفت و کما گمان می‌رود، در یک کلام اگر بخواهیم این املاک را تشریح کنیم، با بد گفت:

"موقوفه صورت دیگر بزرگ مالکی بود و آن عبارت از ارضی و دهائی بود که وقف شده بود، و بر طبق قوانین شری و مذهبی اداره میشد. زمین‌های موقوفی چه بصورت بقیه در صفحه ۴

اچاره نامه استاچریس سابق (که از نظر عمومی و قانونی ملاحظیت اچاره آراضی فوق را نداشته و فقط بر اساس روابط در زبانی سابق در تصرف داشتند) و واگذار نمودن اراضی فوق به روستا - شبان و زارمین واجد شرایط با انصاف اچاره نامه جدید - اساس رعایت ملاحظ و صرفه کثا و رز و سازمان اوقاف ... (همانجا ص ۷ و ۱۲). یعنی در یک کلام و بطور خلاصه ادامه همان روش استثنای نشودائی صورت شرعی و درجا رجوب توانستن حکومت اسلامی ساخا نیکه از نظر حکومت فعلی "واجده شرایط" بسرای استثنای ربا شنید.

و ضمیمت و موقعیت. فعلی آستان قدس رضوی، مشؤنه گویا ش است که تحت رژیم کنونی چه بر مرده هقانا من مین ما آ شده و چگونه ولایت فقیه ما بل و تا در به حل مسئله زمین به نفع دهقانان نیست، در جمله "مهراب" شماره سوم گزارش میسر از موقعیت فعلی املاک فوق ارائه شده است. در مورد جایگاه این املاک در "اطلاعات ارضی" اسلامی میگوید:

"... هنگامیکه لایحه تقسیم اراضی به شورای انقلاب رفت و به تصویب رسید شما [منظور مطبی، تولیت آستان قدس است] اعلام کردید که آستان قدس رضوی مستقل از دولت و بسرای خودش مقررات ویژه ای دارد؟! (همانجا ص ۱۶۰)

در نتیجه املاک آستان قدس رضوی کا ملا از جریرستان "اطلاعات ارضی" رژیم اسلامی بدور ماند. ولی این بیسگ طرف قضیه است. طرف دیگر قضیه گسترش و رشد ربا م آور با داین املاک در دوران حکومت نجیبی بوده است. با معادله شدن اراضی طا فوئیا ن نخراسان، بجای آنکه دهقانان از آن بهره اساسی را ببرند، متصرف بر اساس املاک موقوفه با فکشت، بررسی از طا فوئیا ن که بجای قرار از ایران، قرار در ایران را ترجیح دادند بودند. با پرداخت وجوهات فرعیه و با وقف نمودن قسمتی از املاک خود به آستان قدس بدو ش سنتی قرنهای گذشته، ابصناد این املاک را گسترش داده تا خود نیز به حیات تنگین خود ادا سه دهند. گزارش مجله "مهراب" در این باره میگوید:

"و آیا به همین واسطه نبود که زور و زور و زور و زور و زور و زور و زور شدنی که در نتیجه انقلاب فراری شده بودند پس از چندی به ایتیان شده و در پی توجیه شرعی مالکیتشان با انوسنی که آیت الله زاده ها در خراسان از اولاد سخنرستان آموخته بودند چهره گریه خود را دوباره تقدس بخشیده و از من عصمت با نشنیده شرط اینکه عصبه مقدسه است را بپوشد و سرچسب - هگی خود را با پرداخت وجوهات عقب افتاده اعلام نماید که این ضمانتی نبود برای ادا به ملکداریشان" (همانجا ص ۱۶۰)

بدین ترتیب روشن میشود که املاک بزرگی چون آستان قدس رضوی از طریق رشوه های بی شمار ی که بصورت زمین و پسرور بوده چگونه در حکومت اسلامی گسترش یافته است. بطوریکه گزارش مجله مهراب نشان میدهد هات مورد تصرف موقوفه سات آستان قدس رضوی در دوران حکومت اسلامی به هزاران هکتار بالغ گردیده است. درجا لیکه در رژیم صحنه بهلوی آنچه در روستا نجا وز نمیکرد.

خلاصه کنیم. روحا نیست منتسب به خمینی با برقراری حکومت جمهوری اسلامی مناسبات خویش را با نظام نشودائی و نیمه نشودائی ها گم بر روستا ها و ایران نه تنها قطع نگسرده که آنرا ادا به و شمیم بخشیده است. دو وضع اساسی تفذیه - اقتصادی روحا نیست اچاره نامه روستائی ما یعنی فس و نکات و بقیه در صفحه ۵

وقف خاص و محدودت عام مشکل با زر عمده مالکی داشت. و با سیول و عاصه چندان فرنی نداشت. آستان قدس رضوی در خراسان از عمده مالکین بزرگ بشما رمیرفت و از لحاظ طنز اچاره املاک با مالکیت بزرگ تفاوتی نمیکرد.
(اچاره شناسی روستائی ایران - ضرور و سروری - ۱۳۵۵ - ص ۲۲ - تاکیدات از ماست)

بدین ترتیب این املاک که با از جانب حکومت و فوئدالها برای شرعی جلوه دادن نظام نشودائی به روجا نیست و اگذار شده و با مرور از دهقانان خرده مالک تحصیل شده یکی از اشکال مسده بزرگ مالکی در ایران بوده است. این املاک همانند سایر املاک بزرگ مالکی به شیوه مزارعه که منطبق با فقه اسلامی است، اداره میشده است. یعنی یک استثماری نشودائی تمام هیار. در یک کلام: "رعیت چه در ملک خرده مالکی کار میکرد چه در املاک عاصه موقوفه به یک شکل و به یک نحو از بهره کشی میسند و توانستن مزارعه در باره او به یک صورت اجرا میگشت" (همانجا تاکیدات از ماست).

ولی املاک موقوفات در طی "رفرم" مهربا لیمتی" دهسه ۱۳۴۰ چه موقعیتی پیدا نمودند؟ آیا تقسیم شدند و یا مستثنای شدند؟ بررسی و تجربیات نشان میدهد که املاک موقوفه در جریان "اطلاعات ارضی" رژیم شاه که کماکان دست نشودائی مانده اند، بدین ترتیب که این املاک جز مستثنیات مرحله اول تفسیر گرفت. در مرحله دوم مشمول شق اچاره گشت که در اصل مالکیت مشومون استثماری نشودائی ایجا دنشود. در مرحله سوم اگر چه قرار بود اراضی مشمول شق اچاره مرحله دوم تماما تقسیم شوند. ولی هرگز چنین نشد. با دست کم در مورد اراضی موقوفات چنین نشد. بدین ترتیب در جریان اطلاعات ارضی شاه املاک موقوفه دست نشودائی مانده یعنی همان شفیرات جزئی که در املاک بزرگ مالکی حاصل شد شامل املاک موقوفه شد!! و اگر به خواصیم اما بزرگ مالکی در موقوفات را نشان دهیم، اشاره به نمونه املاک آستان قدس رضوی گویا خواهد بود. در مورد این املاک در آستانه "اطلاعات ارضی" رژیم شاه با بدگفت: "املاک آستان قدس رضوی ۴۶۶ پارچه بوده و عبارت از ۶ دانگی تا دهات (یک پای گا و) بیغات، قنوات، آسیا و مرتج" (همانجا ص ۲۷).

ولی در جریان "اطلاعات ارضی اسلامی" که قرار مسود دهقانان را با اعمال ولایت فقیه از قید و بند نشودا لیم آزاد نما بد. بهر موقوفات چه آمد؟ این با رنیز همانند دوران رژیم شاه. موقوفات جز مستثنیات قرار گرفت!!! در لایحه ارضی صحنه شورای انقلاب (ولوا یح بعدی مطرح شده بر مجلس) حتی ضم موقوفات نیز در لایحه مطرح نشد. و بقول آ ن "بندی" که با واقعا جیمشد. همین "بند" مربوط به موقوفات بود. آنچه شد تغییر و شد. بیلتی در اچاره بیتی این اراضی و واگذاری آن به نور چشمی های حکومت خمینی بود. "کارنامه هشت ماهه ستاد مرکزی و هیئت های ۷ نفره، واگذاری زمین آنچه را که در باره موقوفات اعمال نموده. چنین گزارش میدهد: ..."

علیرغم اشکال مختلفی که پیش روی دولت انداخته اند تا به امروز آشکار شده است همه گروه بندی قابل توجیه هستند. دسته اول جریانات مربوط به بورژوازی سنتی و ملاکین شهری و روستایی مربوط به آن می باشد، این جریانات که جناح قدرتمند حزب جمهوری اسلامی را در دست دارند میخواستند تا ایران را در نظامی از نوع دوران "رستاخیز معمر فاروقی" اما با تکیه بر ارزشهای اسلام در دست بکشند. این جریانات برای اجرای برنامه خود مسئول سازماندهی اشتباهی از نیروهای ارتجاعی، تکنوکرات ها، افسار و مرموقه بورژوازی و همچنین جریانات و آورده، جنبش هستند تا در یک تشکیلات فراگیر نظم مورد علاقه خود را متکی بر ساری بزرگ ایجاد نمایند. اگر دولت کنونی حزب جمهوری اسلامی چه در برخورد با جریاناتی مانند انجمن مجتبه و چه در برخورد با نهضت آزادی و گروه های ما خدمتگامی ها و امت و غیره از یک چنین سیاستی پیروی کرده است. دسته دوم که از پیوند مراحمی به جز خمینی بهره می جویند و در زمان سرما به داران بسزری و ملاکین روستایی نیز از آن بسیاری دارند اما با به با زگردانن ایران به موقعیتی شبیه موقعیت مالهای قبل از انقلاب سفید چشم دوخته اند و زور بر لایوای اسلام و انقلاب منافع نشود الهی و سرما به داران مضروب دربار شاه سابق را دنبال میکنند و با لایوای دسته سوم که با راهی از روحانیون مرجع شده، اخیراً در آمریکا و با تملیقات قرون وسطایی و ارتجاعی خود به بورژوازی شهری و روستایی خود را آراسته است، راه اسلام فقط است و برقراری حاکمیت الهی در ایران را مدعی است. سلبیونی کنونی می بیند و ادامه این راه را گامی ها تا گامی ها تا آگامی ها تا زمینه را برای تحقق اهداف ارتجاعیون قبلی و با بدتر از آن ها هموار می سازند.

در این میان بیدار است که چنانکه گفتیم آنها که بسزری جایگزینی خمینی خط و خط کشی میکنند تنها زمینه ساز انحطاط بیشتر جامعه ما میباشند. برای نیروهای خلق جدال برای جایگزینی خمینی معنای شیواهداد است مگر آنکه بسزری جایگزین ساختن خمینی و رژیمش با یک رژیم دموکراتیک است که مردم بگویند و در همان خلق را در شرایطی که برای کسب آنها بیجان یکدیگری استند با چشم نبوده ای و صلح خلق در هم کوبیده.

که با لایوای طرح برنامه های گوناگون سیاسی و اقتصادی در جامعه ایران زده، ما معرکه بوجود آمدن تضادهای جدید و نالایکسری تضادهای قدیم بود در ادوی مدانقلایی که کودتا را با کار با سه "مری سرمدولایت فقیه" به انجام رسانده بود شکاف های عمیقی ظاهر گشت. مدتی تواریس را این شکافها را "منتظری امید است و امام" در جامعه متوقف کرده. سعد فیت الاسلام بزودی نما بنسند. با نمود حزب جمهوری اسلامی در هیئت سه نفره معروف در یک مساعیه مطبوعاتی درباره قطع امید خود از منتظری هشدار داد و گفت اگر بنا شد که آمانی منتظری طرح های از نوع بسند "ج" را حمایت کنند ما عت تا ست خواهد بود و اندک اندک آشکار شد که دودستگی ها با لا گرفتار است. حجت اسلام کرویسی حمله شدیداً الحقی در دفاع از آیت الله العظمی منتظری بریزدی و امثال او کسرد. در همین احوال انجمن فدیهایی که از جمله در شکل انجمن حربه عمل میکنند و گویا با ملاحظه بد خمینی امر مبارزه با کمونیسم و الهی در ایران دوسه ماهه در دستور کار قرار داده بود با یک آشکارا با طرح مسئله "اعلیت" مراجع برای جا نشینی خمینی و حتی در مسئله ملاحیت خود خمینی علامت سؤال گذاشت و به روشنی در جستجوی یافتن حایاهای مناسبی برای اجرای مفاد خود بر آمد. ارسوی دیگر امثال جنسی از فقهی شورای نگهبان در نما زحمه به همین حربه عمل کرده و وجود تضادهای دیگری را که تا کنون مخفی مانده بود بر ملا نمود. فکس العمل گلیا بگانی نسبت به شعار "مرگ برضولایت فقیه" که در واقع شعار اصلی کودتاگران سال گذشته بود نیز نشان داد که دعوی کنونی بر اختلافات قدیمی میان مراجع فقهی نیرو مشربوده و ترا تشدید نموده است. و انتظاری جز این هم نمی رفت چرا که با طرح اسلام بعنوان مکتب و راه و رسم حکومت طبیعتاً پای مصالح طبقاتی نیروهای مختلفی که ظاهراً در اسلامیت متحدند به میان می آید و ما هیت خطوط روشن تر میکرده. گلیا بگانی اخیراً خطا کرده است که اگر بسزری اقدامات "علاف شرع" مانند اجرای بند "ج" و غیره متوقف نگردد ما به تهران خواهیم آمد و اعتراضی وسیع را سازمان خواهیم داد. و از این اختلافات که همه گروهها و دسته بندیها را در حالیکه برای کسب دست بالادرفرادی عدم مقام رهبری جنگ و دندان تیسز کرده اند بنماش میگذارد بسیار میتوان گفت.

بالگیری دعواها در شرایط کنونی جامعه یعنی در بحران اقتصادی و ناتوانی حکومت از حل مسائل اساسی خود البته ریشه در ما هیت طبقاتی حنا میهای مختلف حاکمیت و ناتوانی طبقاتی مجموعه آنها از کشودن راه برای تثبیت حاکمیت ارتجاعی اسلامی فقطا هتی دارد، ولی حدت و شدت تضادهای با طریک مسئله عامر معنی موضوع مورد بحث ما یعنی تعیین جا نشین برای خمینی سرور کرده است. نیروهای مختلف حاکمیت مشغول سازماندهی در نیروهای مسلح و همچنین دستگاه بوروکراسی هستند و روحانیون با طبع خود را نیز برای اینکه بر مردم ولایت اعمال کنند میدان میفرستند اما آنچه که در کنه کاشکی ها جریان دارند تضادهای در میان جریانات و برنامه های ارتجاعی طبقاتی می باشد. دسته بندیهای گوناگونی که بوجود آمده اند

یک دلیل اصلی... بقیه از صفحه ۵

سهم ما و میبویزه در آن موقوفات کماکان حفظ شده و با بسزری و ستمتری با فتنه اند. علاوه بر مقوله اشغال سزما به حکومت رسیدن قلبه و سرقراری ولایت اش، هما نظور که تجربیات ۳ ساله اخیر نشان میدهند بر مظاهر نفرت ما قبل سرما به داری در روستاها سوار شده و از آن تنفیه می نمایند. منابع اقتصادی روحانیت افزوده شده است. تمامی زمینه های فوق حکایت از وابستگی روحانیت حاکم، البته با تمام تملیقات متناوت طبقاتی و درجات مختلف وابستگی، به نظام فئودالی و نیمه فئودالی جامعه روستایی ما دارد. حفظ چنین نظامی در روستاها، با دادن زمین به دهقانان و حل مسئله ارضی به نفع این طبقه صافرت کامل داشته و دارد. اگر دهقانان اینسرمان بیخواستند مسئله ارضی را به شیوه و مفهومی دموکراتیک به نفع خویش حل کنند، چاره ای به جز سرنگونی حکومت فقیه نخواهند داشت. امر مهمی که جدایی دین از حکومت و انحلال سازمان روحانیت را بدستال خودیبه ارفغان آورده و راه را برای پسگ انقلاب دموکراتیک در روستاها خواهد گشود.

مسأله فرماندهی نیروهای انتظامی و دخاریا کودتای درون حکومت

این رسیده ما سیم، ولی آنچه که تا بهمان عنوان شده از جمله به دو مسئله که ما قبلا نیز در مورد آن هشدار داده بودیم، اشاره میکند. یکی تخلفات و بی نظمی ها در روز و رات شب و رات بهیچ حناح های مختلف است که در این جا بصورت کاهش قدرت یکی (مهدوی کنی) به نفع حناح دیگری (ناطق ثوری) خود را نشان میدهند. همان طور که مهدوی کنی چندی قبل در سینار اسپهان با ساداران، گویش و نایب در الحاق یاه ساداران پیچ کیمته های زیر نظر خویش را سامان داده بود! دیگری شفا دما بین بوجود آوردن یک دستگاه مشترک حکومتی، که برای تشکیلات حکومت خمینی حنبه، اما می دارد، با ساسم خان قاضی لغتسار است. یعنی سیستمی که هر حناح از روحانیت قبول خویش را داشته و با برقراری نظام خویش حکومتی در درون حکومت اسلامی است. ولی آنچه در این مسئله تا بحال منظر سرد است کیمته حناحی با استفاده از حکمی مربوط مدکسته و در مورد ما شامل دیگری میخواستند است که کودتای کرده و حناح رفیعی را از میدان خارج کرده و صلاح همی چون کیمته ها را در قدرت خویش کیمه، و یا اینکه کودتای فوق صورت بنبجه، قطعی خریدند، خمینی بای خود را از آن با استنفا رجنس حکمی کنار کشیده باشد! در حال این مسئله هنوز ادا مدارد و ما آنرا دنبال خواهیم کرد.

یکی از مسائل مهم هفته گذشته، مسئله تسویه مرزهای نوای انتظامی از جانب خمینی به مناطق ثوری وزیر کشور بود. ابتدا اینطور مطرح شد که علاوه بر شیرازی و ژاندارمری کیمته ها اوحتی سپاه را لحاظ انتظامات درون کشوری، نیز به بر قدرت وزیر کشور در آمده است. و این اسکیره ای نه مبینی ترکا هش قدرت کیمته ها و از جمله حناح مهدوی کنی که در برید کیمته ها را سمجه دارد. برای آنکه نشانده ان از اختلافات درونی حکومت جنبه، طعی بخورد و نگردد در روزها مدهای عمر (اطلاعات تئیسبه ۲۲ فروردین) بلانای عکس از مناطق ثوری و مهدوی کنی را ساسا یگند مگر جا ب بود مد که در آن مدیکس کربل خند سیرند !!! هور مطالب و شایعات مربوط به این خبر سرزبا ساسا بود که حکیم خمینی در این رسیده استنفا رجات، در این حکم منظم محسب ان دادن اختیار در مورد ژاندارمری و شیرازی مدوزیر کشور بود و مطلبی در مورد کیمته ها در آن نبود! و مهم بر تاریخ صدور حکم نیز حدود یک ماه قبل یعنی ۲۷ اسفند ما بود!! آنچه در این حکم میتوانست مربوط به کیمته ها باشد جمله مربوط سسه داشتن اختیار در "سایر موارد" بود، در حال این حکم با آنچه قبل از آن و راجع بدان در جاسه از جانب مناطق ثوری عنوان شده بود، مغایرت داشت، منظر سیر سکه اس مطلب هنوز به نتیجه قطعی نرسیده و ما سس منظر مطالب و رویدادهای آنی در

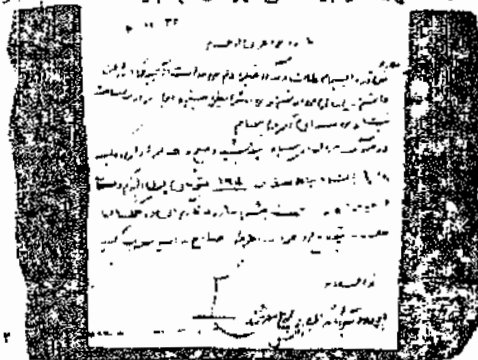
هستی سنگین استبدادگر بر باد باو!

یک شب مرد زمستانی تا ریک وینسند
سربداران کرده اش نزد هم بنشینند
خورد و خواب و خستگی گویی ز خاطر برده اند
نوشه بیگانه را در آرزو میباشند
این یکی آماده میباشند خوشتر از
مجنون و دگرگونی از نو سنگ خوشتر از
نقشه و برتا هم مسئولیت را را در میبینی
گفته و شرح و دلیلش با رگوبه یک رمیق
شد سیاه و قلب جنگل صیقلی را از پیشش
شعله های هیزم آتش زده دویسج و شاب
وفنی آتش قد کشید و صحنه را روشن نمود
عزم در چستان بران همه لیر بر سر بود
گمشکوبان گرفت و سر به با لبس تفنگ
هر رقیقی خدمت روی بستر خاک و سنگ
شب سبابان میرسد چنم رفیقان خواب نیست
زانکه فردا روز خون تکلیف مرگ و رشک است
تا که با ران قصد منزلتگاه به ران کرده است
هر درختی دامش را جتر ما ران کرده است
با رسم بجهدهای مفرد فریبکسا دیساده
هستی سنگین استبدادگر بر باد باو!

در سوگ من لباس سیاه نبوشید و هیچ وجه عزاداری نکمید و از مادیات دنیا هم فقط این ۱۹۵ تومان بول دارم که فقط دلسم میخواند در جهت پیشبرد مبارزه کارگران و رجمتکنان مصرف بشود ولی خود هر طور ملاح میداند مصرف کنید. بر اضمحلام بیا در دبه همگی کارگران و رجمتکنان محمد علی معارضزاد (جای امضا)

و حقیقت با هر یک معلم مخمیر

آنچه در روز مسخوا است و حقیقت نامه، یک معلم انقلابی و کمونیست است که اخیرا در شوشتر به جرم انتشار آگاهی و روشنی بخشیدن به مردم پیرامون خویش به آدمکشان خمینی سپرده شد و به قتل رسید. زندگی این معلم انقلابی بسیار فقیرانه بود و بقول مادرش او را با لباس شویی سرزک کرده بود. حکومت خمینی مدرکی جز کذب است و زندگی که ما مری از رژیم میباشند خوشتر است، نداشت و همین آشنایی برخی عوامل حکومت ما گذشت ما را از آنی او، استناد دلیل لازم و کالی برای بدجوجه، اعدا سردن او سس.



۶۰۰۱۲۰۲

مادر و خواهران ارجمند

مادر عزیز!

من دروا پسین لحظات زندگی خیلی دلم میخواست آن چیزی که در ذهن داشتم برایشان میگویشم ولی در شرایطی نبودم و این امر از من ها خنده نیست ولی بعنوان آخرین صفت نام: